



عکاس: اعظم‌الرحمانی

برای ایران

فرشته فهمیده به دلیل عشق و علاقه به تعلیم و تربیت، با مدرک تحصیلی کارشناسی ادبیات فارسی، در سال ۱۳۷۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. او در سال ۱۳۷۰ جذب آموزش و پرورش و بعد از یک سال به عنوان معاون آموزشی مدرسه نرگس در ناحیه ۲ کرج مشغول به کار شد. از سال ۱۳۸۵ به عنوان مدیر مدرسه شاهد در ناحیه ۲ کرج ادامه فعالیت داد. پس از مستقل شدن استان البرز، در سال ۱۳۹۰ به عنوان مشاور مدیر کل آموزش و پرورش استان البرز، در سال ۱۳۹۰ به عنوان مدیر ناحیه ۲ کرج، سال ۱۳۹۳ به عنوان معاون پرورشی اداره کل آموزش و پرورش کرج فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه داد و در نهایت در ۲۸ اسفندماه سال ۱۴۰۰ با ۳۱ سال سابقه کار بازنشسته شد. روحیه خستگی ناپذیری و سبب شد از بازنشستگی تاکنون، با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، به صورت افتخاری با سازمان بسیج دانش آموزی همکاری کند.

باید

تنظیم کننده: مریم ظفرمند

جان داد

گفت و گو با فرشته فهمیده، خواهر شهیدان محمد حسین و داوود فهمیده

چطور شد که کار در آموزش و پرورش را انتخاب کردید؟

آموزش و پرورش برای من خیلی مهم بود. من بیشتر وقت‌ها را برای رسیدگی به امور مدرسه‌های زیر مجموعه صرف می‌کردم. حتی وزارت کشور و استانداری از من دعوت به کار کردند. اما من تمایل داشتم در آموزش و پرورش مشغول باشم و ادامه کار بدهم. پایه و اساس آموزش و پرورش برای من مقدس بود و به همین علت جای دیگری نمی‌توانستم کار کنم.

بحث اصلی ما در رابطه با روز دانش آموز است. یعنی

۱۳ آبان ۱۳۵۸ که به تسخیر لانه جاسوسی انجامید. این اقدام حاصل مسئولیت‌پذیری نوجوانان و جوانان آن موقع بود. آیا این مسئولیت‌پذیری را هنوز هم در دانش آموزان می‌بینید؟

در سال ۱۳۵۸، دانش آموز و دانشجوی ما با هم اتحاد داشتند و با همدلی و همکاری بین نیروهای انقلابی، لانه جاسوسی تسخیر شد. آن موقع محمد حسین هم حضور فعالی داشت و هم سن و سال‌های



خود را به آن سمت می کشاند. پس از سپری کردن سال های پیروزی انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس سبب شد دانش آموزان ما سال به سال با فرهنگ شهادت رشد کنند. بیان اتفاقات سال ۱۳۵۸ از طریق روایت گیری افرادی که در آن سال ها حضور داشتند یا راوی اتفاقات پیروزی انقلاب اسلامی بودند نیز امکان پذیر است. از همین روی، معلم نقش بسیار مهمی دارد تا دانش آموزان او الگو بگیرد و بتواند در زندگی و تحصیل خودش از آن استفاده کند. متأسفانه برخی از مدرسه ها فقط روند کار آموزشی را پیش می گیرند و به مسائل تربیتی و پرورشی اهمیتی نمی دهند. معلم در مناسبت های گوناگون می تواند آن را پررنگ کند. البته ما نمی خواهیم چیزی را با اجبار به دانش آموز تحمیل کنیم. من همواره سعی می کردم جمع دوستانه ای از بچه ها تشکیل دهم. هر جور بچه ای باید در جمع ما حضور داشته باشد و هر جور حرفی هم بزند. اگر من بتوانم به عنوان خواهر شهید جواب بدهم که این کار را می کنم و اگر بتوانم با تحقیق پاسخ آن ها را خواهم داد. حوزه پرورشی به جواب این سؤال بر می گردد که من در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ چه کار کردم؟! امروز دانش آموز من در ۱۳ آبان سال ۱۴۰۳ چگونه ایفای نقش خواهد کرد؟! ما باید نسل قدیم و جدید را به گونه ای با هم پیوند دهیم که فرهنگ ایشار و شهادت، فرهنگ فداکاری و فرهنگ شجاعت بین بچه های ما از بین نرود. ما هنوز نتوانسته ایم بچه ها را به این باور برسانیم که تو می توانی.

تربیت دانش آموز و چند ساعت از عمر دانش آموزان هر روز در اختیار مدرسه و معلم هاست. معلم نباید فقط به فکر این باشد که درس بدهد و دچار روزمرگی شود. اگر بتوانیم با بچه ها طرح دوستی بریزیم، آنگاه قادر خواهیم بود به بسیاری از آرمان ها و اهداف دست یابیم.

مدرسه در القای هویت ملی و اسلامی

دانش آموزان چه نقشی می تواند داشته باشد؟
امروزه با گروهی از دانش آموزان روبه رو هستیم که تحصیل می کنند و پس از کسب درجه های عالی به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند. برای سامان بخشیدن به این موضوع لازم است ارتباط بین خانه و مدرسه تقویت شود تا شخصیت دانش آموز به نحو مطلوبی شکل گیرد. گاهی پیش می آید وقتی دانش آموز به مدرسه می آید، ذهنیتی را که از پیش در خانه کسب کرده است، کامل می کند. متأسفانه برخی از همکاران ما در آموزش و پرورش بر هویت ایرانی دانش آموز تأکید ندارند، بلکه مروج فرهنگ غرب هستند. پیشرفت

باشد تا بتوانیم بچه ها را در مدرسه نگه داریم. ارتباط نیاز بچه ها را مشخص می کند، تا در کنار نیاز بچه ها برایشان برنامه ریزی فرهنگی کنیم.

به نظر شما مدرسه در این رابطه چه بسته فرهنگی ای می تواند ارائه دهد؟

بخشی از برنامه های فرهنگی ما صرفاً گزارشی هستند و برای ارائه گزارش کار انجام می شوند. کار فرهنگی من باید به گونه ای باشد که دانش آموز من آن را دوست داشته باشد. این نوع کار فرهنگی باید گسترده باشد. برگزاری اردوهای یک روزه، حتی در حیاط مدرسه و طرح پیک نیک یک روزه و حضور بین دانش آموزان یا طرح هایی از این قبیل به تخلیه روحی دانش آموزان منجر می شود. هزینه های بالای برنامه های فرهنگی در مدرسه ها باعث نتیجه بخش نبودن اکثر کارها و برنامه های فرهنگی می شود. در کنار برنامه های معمول هفتگی و گزارشی، فراخور خواست بچه ها برنامه های جنبی داشته باشیم. در حوزه آموزش و پرورش نباید زود خسته شد. زود خسته شدن باعث می شود کارها لنگ بزند و نتیجه نگیریم. بچه ها ما را مادر دوم خودشان و مدرسه را خانه دوم خودشان می دانند. بنابراین نباید از کار خودمان زود خسته بشویم.

به عنوان کسی که ۳۰ سال در آموزش و پرورش خدمت کرده اید، خواهر دو شهید و همسر جانباز هستید، به معلمان چه توصیه هایی دارید؟

اگر به عنوان معلم در حوزه آموزش و پرورش شغل معلمی را انتخاب کرده ایم، عاشق کارمان باشیم، عشق به کار معلمی در وهله اول به ما انگیزه می دهد. در کارمان هدف داشته باشیم. اگر هدف نداشته باشیم، زود از کارمان خسته می شویم و سپری کردن سال های خدمت سخت خواهد شد. با دانش آموزان رفیق باشیم. همین موضوع برای من معلم ایجاد انگیزه می کند و باعث می شود به مشکلات دانش آموز پی ببرم و برابر مشکلات برایش

کشورهای غربی نباید هویت ایرانی ما را تحت تأثیر قرار دهد و این امر نباید به تشویق معلمان برای مهاجرت دانش آموزان منجر شود. از سوی دیگر، ما دانش آموز نخبه داریم که تلاش می کند اختراعاتش را اینجا به ثبت برساند. اگر در آموزش و پرورش جایی داشتیم که اختراع دانش آموز ما در مرکز استعدادهای درخشان ثبت می شد و آن دانش آموز می توانست در حوزه کار از آن استفاده کند، این ها اصلاً تمایلی به رفتن نداشتند.

بدینی، یاس و ناامیدی در برخی دانش آموزان وجود دارد. به نظر شما، این یاس و ناامیدی از کجا نشئت می گیرد و معلم در کاهش آن چه نقشی می تواند داشته باشد؟

ما ایران را خوب به بچه ها نشناسانیم. بچه های ما تنها در دو محور تفریحی و سیبر و سیاحت و محل زندگی ایران را می شناسند. خانواده ای ایرانی که دانش آموزش به مدرسه می رود، تا پایان سال تحصیلی نمی تواند به سفر برود. جاذبه های گردشگری ایران به خوبی معرفی نشده اند. دانش آموزان باید در قالب کتاب های درسی، با کمک معلمان ایران و توانمندی ها، ظرفیت ها و داشته های آن را به خوبی بشناسند. دانش آموزان باید از ظرفیت های موجود برای پیشرفت کشور آگاه شوند. ایران ما خیلی چیزها دارد که بچه های ما نمی دانند. معلم باید با دانش آموزانش رفاقت کند. فقط با درس دادن نمی توان کار تعلیم و تربیت را انجام داد. ابتدا باید برای دانش آموز فضای آموزشی دل انگیز مهیا کرد که دانش آموز را راغب می کند درس یاد بگیرد. بچه های ما غالباً از حوزه معاونت اجرایی مدرسه ها فراری هستند، چرا؟ برای اینکه مادر محیط مدرسه برای ایجاد رفاقت و نشاط هدف و برنامه ندارد. این دست دوستی را هنوز نتوانسته ایم بگیریم. اگر ما حداقل آن ارتباط را برقرار کنیم، بچه های ما فضا را دوست دارند و اکت می شوند. مادر کنار برنامه آموزشی باید برنامه فرهنگی هم داشته باشیم. برنامه فرهنگی ما باید به ذهنیت بچه ها بسته

راه حل پیدا کنیم. الگوپذیری دانش آموز
از معلم زمانی محقق می شود که خود
معلم به گفته هایش اعتقاد و به هویت
ایرانی اسلامی خودش ایمان و اعتقاد
داشته باشد.

■ مشکلات معلمی سبب می شود معلم انگیزه نداشته باشد؟

من یک معلم هستم. پس با ناامیدی به شغل
مقدس خود نگاه نمی کنم. کارمندی با معلمی
فرق می کند. معلمی عشق به کار می خواهد. باید
جان داد. وقتی تربیت و ذهن بچه دست توست. باید
مسئولانه برخورد کنی.

■ از دید خواهر شهید؟

مادر کشوری زندگی می کنیم که بالغ بر ۳۰۰ هزار
شهید داده است. کوچه به کوچه شهرهای ما به نام شهدا
هستند. خوب است دانش آموزان گاهی به گلزار شهدا
سری بزنند و ببینند آنجا چه خبر است. شهدا به من و
تو نیاز ندارند که بر سر مزارشان برویم. اما به میهن باید
عرق داشت و تلاش باید بر این باشد که خون شهدا
پایمال نشود. این برای شهدای ما کفایت می کند.

■ خطاب به آموزش و پرورش، مسئولان و مدیران مدرسه ها چه صحبتی دارید؟

اگر پایه و اساس کار آموزش و پرورش درست باشد،
هیچ معلمی بدون انگیزه سر کلاس نخواهد رفت. اگر
ما بتوانیم انگیزه را در دل معلمانمان ایجاد کنیم، مطمئن
باشید روند کار ما بهتر خواهد شد و ما هم بچه های
خوبی تربیت خواهیم کرد. آموزش و پرورش روند کار
را برای همکاران تسهیل کند. تجهیزات لازم را در اختیار
همکاران بگذارد. ما هم به برگزاری نشست با همکاران
بسندة نکنیم، بلکه پیگیر و به دنبال نتیجه باشیم. وزارت
آموزش و پرورش درد معلم های مدرسه ها را بشنود. در
کنار آن معیشت و حقوق همکاران ما را جدی بگیرد.
درست است که معلم باید به کار عشق داشته باشد،
اما بالادستی هم باید به او برسد تا معلم بتواند با فراغ
بال بیشتری به تعلیم و تربیت دانش آموزان پردازد.

■ به عنوان سخن پایانی؟

آموزش و پرورش، مسئولان و مدیران مدرسه ها از
تجربه های افرادی که در حوزه تعلیم و تربیت کار کرده و
امروز بازنشسته شده اند، استفاده کند. به تعداد محدودی
که همیشه در جلساتشان حضور دارند، بسندة نکند.
در اتاق فکر آموزش و پرورش و مدرسه ها از تجربه های
بازنشستگان استفاده شود و این تجربه ها حفظ و به
اشتراک گذاشته شود تا از بین نرود. ❀